

نسبت به حقوق ملی و داخلی حفظ کرده است.^۱ اگر دولت‌ها هنجارهایی را که نیرومندتر از رهنمودهای غیر الزام‌آور است بپذیرند، رژیم‌های تبیینی (رژیم‌هایی که در مرحله تبیین و اعلام وجود است declaratory regimes) در مدت کوتاهی تکامل می‌یابد و به رژیم‌های پیشبردی (promotional regimes) تبدیل می‌شود. اگر هنجارهای این رژیم‌ها برای دولت‌ها آنقدر اهمیت و جذابیت داشته باشد که خود را ملزم به پیروی از آنها کنند، آنگاه مشکل می‌توان برخلاف پیشبرد و گسترده‌گی و فراگیری و اجرای آنها در آینده سخن گفت. اما حرکت به سوی اجرا یا الزام به اجرای رژیم‌ها متضمن جهشی بزرگ و کیفی است که بیشتر دولت‌ها در مقابل آن می‌ایستند و این ایستادگی غالباً موفقیت‌آمیز است. ممکن است تکامل رژیم تدریجی باشد، ولی به نظر نمی‌رسد که فعالیت در زمینه اجرا یا الزام آور شدن رژیم‌ها به شکل جدی متوقف شود. حرکت به سوی یک رژیم اجرایی یا الزام‌آور، مستلزم افزایش تعهد دولت‌هاست و انتظار می‌رود که این امر از سوی دولت‌ها در آینده با استقبال زیادی روبرو شود.^۲ همان‌گونه که کرسنر (Krasner) (۱۹۷۸:۵۲) اظهار داشته، در هر حیطه موضوعی، واضعان ناقضان و اتخاذکنندگان رژیم‌های بین‌المللی (بالقوه) وجود دارند. درک ساختار یک رژیم (یا علت نبود آن) مستلزم این است که بدانیم چه کسی چه نقش‌هایی را چه وقت و چرا باز می‌کند و در این میان چه توافق‌هایی صورت می‌پذیرد. کوهین (Keohane) (۱۹۸۲) رژیم‌ها را به کالا در بازار تشبیه می‌کند: رژیم‌ها هنگامی عرض اندام می‌کنند که «تقاضای» بین‌المللی برای رژیم به حد کافی برسد و این تقاضا از جانب یک دولت یا گروهی از دولت‌ها که مایل و قادر به «عرضه» هنجارها و آیین‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی هستند، برآورده شود.^۳

حال با این پیش زمینه مختصر از رژیم‌های بین‌المللی می‌توان رژیم حقوق بشری بین‌المللی را که گسترده و پیچیده است مورد بررسی قرار

به‌منظور استفاده بهینه از فرصت‌ها و موفقیت در رویارویی با چالش‌های آینده، ابتدا باید به‌گونه جامع و بی‌طرفانه گذشته را ارزیابی کنیم، سپس به تحلیل وقایع جاری پردازیم و در انجام این دو امر شیوه‌ای دقیق برای قضاوت درباره آینده اتخاذ کنیم. پژوهشگران باید با پشتوانه واقعیات و حقایق در این مسیر گام نهند، گو این که گاهی ارزیابی وقایع و حقیقت‌ها به علت تبلیغات منفی و کذب رسانه‌ها دشوار است. یکی از این «واقعیت‌ها»، «حقوق بشر» است که تحقق آن همواره یکی از اهداف اصلی انسانها بوده است. تاکنون تلاش‌های بسیاری برای اعمال حقوق بشر صورت پذیرفته اما هنوز مخاطبان رژیم‌های* حقوق بشری دیدگاههایی متعارض با یکدیگر و نظراتی متفاوت نسبت به نظام آتی حمایت از حقوق بشر، از جمله رژیم منسجم حقوق بشر دارند. اما این آرمان رژیم منسجم بین‌المللی در زمینه حقوق بشر تا چه حد می‌تواند الگویی جامع و بی‌عیب و نقص برای آینده ارائه کند؟

مقاله حاضر عمدتاً به امکان‌پذیری این رژیم می‌پردازد و بر مشکلات و مسائلی که با وجود آنها در اوضاع آشفته کنونی هرگز به یک رژیم حقوق بشری کارآمد دست نخواهیم یافت تأکید می‌ورزد. در این مقاله به ویژگی‌های رژیم احتمالی در آینده خواهیم پرداخت. در این بررسی، برخی رهیافت‌ها برای ارزیابی دقیق این موضوع - که حساسیت جهانی را برانگیخته است - نیز مد نظر قرار خواهد گرفت. در این مقاله، با توجه به موضوع، از «نسبیت‌گرایی» (rel-ativism) و «عام‌نگری» (universalism) بعنوان دو جریان اصلی یاد شده و سپس ویژگی‌های نظام آینده پاسداری از حقوق بشر و نقش دستگاه حقوق بشری بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته است.

حقوق بین‌الملل، در منصفه اجرا با مشکلات زیادی روبروست، ولی هنوز برتری خود را

یکپارچگی رژیم بین‌المللی حقوق بشر: افسانه یا واقعیت؟

نویسنده: امیر مسعود اجتهادی

داد. در طیفی از رژیم‌های حقوق بشری که از تک‌موضوعی* شروع و به رژیم‌های منطقه‌ای** و جهانی*** ختم می‌شود،^۴ رژیم‌های پیشبردی تفوق دارند.^۵

دولتها پایه‌پای ارگانهای اصلی رژیم جهانی حقوق بشر (یعنی کمیته حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل) باید برای نیل به يك رژیم منسجم حقوق بشری بین‌المللی بکوشند. البته اگر اصولاً تحقق چنین رژیمی امکان‌پذیر باشد. و این تلاش باید از طریق حل مشکلات جدی موجود صورت پذیرد.

مشکلات کنونی بر سر راه اجرای

اصول حقوق بشر

برای پرهیز از گرفتار شدن در پیچیدگی‌های بحث فلسفی، که سنخیتی با روح این مقاله ندارد، رهیافتی توصیفی اتخاذ شده است. با همه تلاش‌هایی که برای ارتقاء حقوق بشر صورت پذیرفته، هنوز هم مسائلی در زمینه اسناد، اجرا، ارتقاء و حمایت از حقوق بشر لاینحل باقی مانده است. برای نمونه، منشور اجتماعی اروپایی (European Social Charter)، پیمان آمریکایی حقوق بشر (American Pact of Human Rights) و دیگر پیمانهای بین‌المللی حقوق بشری مکمل اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهمترین سند در این زمینه است می‌باشند.^۶ این نشان می‌دهد که اعلامیه مزبور بویژه نیازمند بهبود کیفی است. برخی از رهبران کشورها در زمان جنگ سرد کوشیدند از طریق اشاعه دموکراسی اصول حقوق بشر را در برابر آنچه تهدید کمونیسم تلقی می‌شد، بنیان نهند. برعکس، سیاست‌هایی که در صدد بود از هر طریق ممکن نظام سوسیالیستی را سرپا نگه دارد، حقوق فردی انسانها را به بازی گرفت. در نتیجه هر دو ایدئولوژی (دموکراسی و سوسیالیسم) بیش از پیش حقوق بشر را به مخاطره افکندند.^۷ در کنفرانس جهانی حقوق بشر که با صدور اعلامیه وین خاتمه یافت، اشاره

شد «درحالی که توسعه موجب تسهیل برخوردارگی از تمامی حقوق بشر می‌شود»، ضعف توسعه را نباید دستاویزی برای توجیه نادیده گرفته شدن حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی قرار داد. این بیان، در گنه خود صحیح است ولی عبارت تمامی حقوق بشر مفهومی دوگانه از حقوق بشر در بردارد. کل طیف حقوق بشر مسلماً در بطن این عبارت گنجد است ولی از فحوی جمله چنین استنباط می‌شود که حقوق بشری به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی اصولاً تنها به حقوق سیاسی و مدنی اطلاق می‌شود.^۸ دولت‌ها، بعنوان بازیگران اصلی، می‌توانند نقش مهمتری در نقض یا حمایت از حقوق بشر بازی کنند. در نبود اجماع نظر اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک، آیین‌های کاری مبرم در زمینه حمایت از حقوق بشر مغرضانه‌تر و متعصبانه‌تر از آن است که حتی مورد قبول دولت‌های خوش سابقه در ایفای تعهدات قطعی ملی خودشان واقع شود.^۹ همچنین، مرگ رژیم‌های ناقض حقوق بشر لزوماً به معنای ظهور سیاست‌ها و رژیم‌های حامی حقوق بشر نیست.^{۱۰} هرچند زوال رژیم‌های اقتدارگرا و توتالیتر در دهه گذشته پیشرفت بزرگی برای حقوق بشر محسوب می‌شود، ولی هنوز هم فاصله زیادی میان رهایی از اشکال دیرینه نقض حقوق بشر و برقراری رژیم‌های جدید حمایت از حقوق بشر وجود دارد.^{۱۱}

نقش سازمانهای بین‌المللی را نمی‌توان در زمینه حقوق بشر نادیده گرفت، زیرا آنها می‌توانند هم مشکل ساز و منفی باشند و هم به شیوه‌ای مثبت و مؤثر عمل کنند؛ آنها کمک شایانی به توسعه حقوق بشر کرده‌اند، اما در موارد مختلف ناقض حقوق بشر نیز بوده‌اند. مهمتر از همه این که گردانندگان دولت‌های عضو سازمان ملل، خود از ابناء بشر هستند. بعلاوه، توسعه هویت مشترک در درون سازمانهای سیاسی که اعضای گوناگون دارد و از مزایا و مصونیت‌هایی برخوردار است ممکن است به قیمت ایجاد نوعی

○ حقوق بین‌الملل در زمینه اجرا با مشکلات فراوان روبروست، اما هنوز برتری خود را نسبت به حقوق ملی و داخلی حفظ کرده است.

متفاوت آن را به اجرا درمی آورند.^{۱۶} بنابراین برای تحقق يك نظام حقوق بشری بی عیب و نقص باید این واقعیت را مدنظر قرار داد. شرارت‌ها و موارد نقض حقوق بشر در جریان جنگ جهانی دوم، انگیزه اختصاص دادن جایی مناسب به حقوق بشر در منشور ملل متحد را به وجود آورد و نیاز به صلح و حقوق بشر را به شکل خاصی آشکار ساخت.^{۱۷} ولی، اهمیت تفاوت‌هایی که از آنها یاد شد، به حدی مورد غفلت واقع شده که امروزه تصور حق هویت فرهنگی در چارچوب حقوق بشری موجود دشوار است. باید توجه داشت که با حفظ هویت فرهنگی هم، می‌توان خشونت را کاهش داد.^{۱۸} کشورهای جهان سوم ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی مورد تأکید خود را توجیه کننده عدم پذیرش معیارهای غربی حقوق بشر عنوان می‌کنند. همچنین، شمال و جنوب هر يك اولویت‌های خاص خود را در زمینه حقوق بشر دارند. این نکته در مورد هر دو گروه از کشورها و حتی در مورد نقاط مختلف يك کشور صادق است.^{۱۹} بی‌گمان همه فرهنگها به انحاء مختلف، نسل‌کشی، قتل، شکنجه و برده‌داری و همچنین «ناپدید شدن» افراد و هدف قرار دادن تظاهرکنندگان بی‌گناه را محکوم می‌کنند. ارزشهای عمیق و زیربنایی که حامی این اعتقادات مشترک و همگانی است، طبعاً در میان گروهها، کشورها، جوامع مذهبی و تمدن‌ها توجیهاتی متباین دارد و دیدگاههای ناسازگار نسبت به الهیات، متافیزیک، طبیعت بشر، و... باعث نزاع بر سر برخی هنجارها می‌شود که باید بر حقوق بشر حاکم باشد.^{۲۰} اما نمی‌توان این اختلافات را از میان برد. امروز، غرب اصرار می‌ورزد که حقوق بشر جهانشمول است و احترام به آن به پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی، قومی یا مذهبی کشورها بستگی ندارد و نقض این حقوق ذاتی افراد در هر کشوری مسلماً نگرانی کل جامعه بین‌الملل را برخواهد انگیزخت. ولی برخی از دولتها در شرق آسیا معتقدند که در اجرای حقوق بشر باید تاریخ، سنن، فرهنگ،

حسن استکباری در بعضی از دولت‌های عضو آن تمام شود و آنها خود را مافوق تمامی قوانین احساس کنند. در نتیجه ممکن است نقض حقوق بشر، حتی در درون سازمانهایی که به منظور حمایت از این حقوق تأسیس شده است رخ دهد.^{۱۲} این نکته حتی در مورد اصلی‌ترین سازمانهای حقوق بشری نیز مصداق می‌یابد: يك ارگان غیردولتی به نام «دیده‌بان حقوق بشر» که مقر آن در نیویورک است، سازمان ملل را به بی‌تفاوتی نسبت به قتل‌ها و «تصفیه‌های قومی» در زمان انجام عملیات حفظ صلح متهم نموده است.^{۱۳} برای کاهش دادن این مشکلات تلاشهای زیادی صورت پذیرفته است، از جمله برگزاری کنفرانس جهانی ۱۹۹۳ در وین، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (۱۹۹۰) و غیره. وقایع تلخی در نقاط مختلف جهان از جمله یوگسلاوی سابق رخ داده که مغایر با روح این دو کنفرانس بوده است. تلاشهای جامعه بین‌المللی برای مهار کردن و مقابله با این گونه رویدادها و خاتمه بخشیدن به رفتارهای غیرانسانی تا حد زیادی بی‌نتیجه مانده، و آیین‌های نظارتی سازمان ملل برای فائق آمدن بر موارد گسترده نقض حقوق بین‌الملل ناکافی بوده است.^{۱۴} همچنین دسترسی به نظام اسنادی حقوق بشر سازمان ملل که پیچیده و دشوار است، مشکلی دیگر می‌باشد.^{۱۵}

ناهمخوانی اسناد حمایت از حقوق بشر و نظام فرهنگی و تاریخی کشورها

مفهوم حقوق بشر نتیجه فرایند توسعه تاریخی است. این مفهوم، پیوندی نزدیک با شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین تاریخ، فرهنگ و ارزشهای خاص يك کشور دارد. جوامع مختلف در رابطه با حقوق بشری شرایط متفاوتی دارند. کشورهایی که در مراحل مختلف توسعه قرار دارند و دارای سنت‌های تاریخی و پیشینه‌های فرهنگی گوناگون هستند، درک متفاوتی از حقوق بشر داشته و به شیوه‌هایی

○ نقش سازمانهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را نمی‌توان نادیده گرفت؛ آنها کمکهای درخور توجهی به توسعه حقوق بشر کرده‌اند، اما در موارد گوناگون ناقض حقوق بشر نیز بوده‌اند.

مذهب و سطح توسعه هر ملت را در نظر گرفت. بر پایه این فلسفه، دولت‌ها نمی‌توانند به نام حقوق بشر در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند.^{۲۱} بنابراین آمریکا و اروپا، کشورهای آسیایی را پرچمدار قیام در برابر اصول حقوق بشر جهانی تلقی می‌کنند.^{۲۲} مع الوصف، در برخی زمینه‌ها قوانین آمریکا* مغایر معیارهای حقوق بشری به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی است.^{۲۳} اکثر کشورهای آسیایی نمی‌خواهند غربی باشند و از نظر فرهنگی اعتماد به نفس دارند. در حالی که ماهاتیر محمد غرب را متهم به خرابکاری در اقتصاد شرق آسیا می‌کند، بیشتر رهبران آسیایی استدلال کرده‌اند که تفاوت‌های سیاسی، به آسیا این حق را می‌دهد که مواضع متمایز در زمینه موضوعات حقوق بشر اتخاذ نماید.^{۲۴}

کشورهای غربی که پیشتر نفوذ چشمگیری در تعیین چارچوب منشور بین‌المللی حقوق بشر داشتند، در کنفرانس تهران (۱۹۶۸) پی بردند که مبنای این طرح ابتکاری، از حقوق فردی کلاسیک به رهیافتی ساختاری‌تر و سیاسی‌تر روی کرده است که اکثر اعضای سازمان ملل حامی و در پی آن هستند. دستاورد اصلی این کنفرانس، یعنی اعلامیه تهران با اسناد مشابه پیشین بسیار تفاوت داشت.^{۲۵} همه شواهد نشانگر این است که برای رفع تمامی خطراتی که متوجه رژیم بین‌المللی حقوق بشری آینده است، معیارهای حقوق بشر باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. یکی از این خطرات، درگیری‌های قومی - ناسیونالیستی در بخشهای مختلف اروپا، آفریقا و آسیاست که در کنفرانس وین ۱۹۹۳ مورد بی‌توجهی قرار گرفت.^{۲۶} تحولات مذکور باعث این انتقاد از رژیم موجود بین‌المللی حقوق بشر شده که رژیم مورد نظر نمی‌تواند به شیوه مؤثر از اقلیت‌ها حمایت کند و نیز فاقد توانایی لازم در جهت ایجاد چارچوب حقوقی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان اقلیت‌های قومی کشورهاست.^{۲۷} برای مثال در قبرس، سری لانکا، و ایرلند شمالی، مشکلات

حقوق بشری و سیاسی مشاهده شده است زیرا اقلیت‌های پرجمعیت در نظام انتخاباتی آن کشورها مورد اجحاف بوده‌اند. این امر باعث سازماندهی احزاب بر اساس خطوط مشی مذهبی و قومی جداگانه و در نتیجه تشدید قطبی شدن جوامع مورد نظر شده است. اریتره و اوگاندا نمونه‌هایی از کشورهای تک حزبی هستند که پرونده‌های قابل قبولی در زمینه حقوق بشر دارند زیرا در آفریقا، احزاب بر اساس دودمان‌های قومی یا قبیله‌ای سازماندهی می‌شوند. ساختارهای قومی و قبیله‌ای نسبت به تشکیل احزاب سیاسی با احتیاط برخورد می‌کنند.^{۲۸} و این امر نشانگر سوءتفاهم‌های (احتمالی) میان غرب و جهان سوم بر سر مفهوم و معیارهای حقوق بشری است. برخی از کشورهای شرق آسیا و اسیانگتن و غرب را متهم به تحمیل ارزشهای بیگانه بر خود می‌کنند و معتقدند این ارزشها از «سنت غربی لیبرالیستی پس از رنسانس» سرچشمه گرفته است.^{۲۹} نه صرفاً از پرونده حقوق بشر در دوران بعد از جنگ‌های جهانی. بنابراین در آسیا، حرکت‌هایی برای اصلاح - اگر نگوییم بازنویسی - اعلامیه حقوق بشر که قدمتی حدود نیم قرن دارد صورت پذیرفته است. برخی از کشورهای منطقه نیز در حال اشاعه تعریف جدیدی از دموکراسی، که ریشه در ارزشهای آسیایی دارد، می‌باشند.^{۳۰} بررسی شکاف‌های موجود میان غرب، آسیا و آفریقا، به ارزیابی دقیق‌تر روند حرکت به سوی رژیم حقوق بشری منسجم بین‌المللی کمک می‌کند. آسیا مصر است که مفهوم غربی حقوق بشر کاربردی در کشورهای آسیایی ندارد.^{۳۱} ال گور و کلینتون در سفر خود به چین وضع حقوق بشر در آن کشور را به باد انتقاد گرفتند و برای نیل به اهداف سیاسی، حقوق بشر را مورد استفاده ابزاری قرار دادند. کشورهای آسیایی در مارس ۱۹۹۳ برای منعکس نمودن آراء خود در اعلامیه نهایی وین، تشکیل جلسه دادند. کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین نیز به منظور تهیه اعلامیه

○ مفهوم حقوق بشر
پیوندی نزدیک با شرایط
اجتماعی، سیاسی،
اقتصادی و همچنین تاریخ،
فرهنگ و ارزشهای خاص
هر کشور دارد.

موارد تحریم‌هاست. قوانین آمریکا که از اهرم‌هایی چون کمک‌رسانی و بازرگانی برای حمایت از حقوق بشر استفاده می‌کند، ارائه کمک‌های اقتصادی و نظامی به کشورهایی که به نوعی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی را نقض می‌کنند ممنوع می‌سازد.^{۳۵} اگر برای تغییر رفتار یک کشور در برخورد با حقوق بشر فشار بیش از حد بر آن وارد آید، ممکن است آن کشور منزوی گردد و رهبران آن به انجام اقدامات سرکوبگرانه‌تر تحریک شوند؛ ممکن است وضع حتی بدتر از این شود و فشارها نه تنها به تضعیف رژیم، بلکه به نابودی نهادهای ضروری برای توسعه سیاسی دیرپا در آن کشور بینجامد.^{۳۶}

مداخله بشردوستانه، که گاهی حربه جدیدی برای تضمین احترام به حقوق بشر قلمداد می‌شود، آخرین ملجأ قربانیان نقض حقوق بشر است که در معرض خطر غیرعقلانی شدن قرار دارد. تضمین احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها اهداف اساسی سازمان ملل است. منشور ملل متحد، استفاده جمعی از زور را برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی پیش‌بینی کرده است، ولی هیچ اشاره‌ای به استفاده جمعی از زور برای اهداف دیگر مثلاً برای خاتمه دادن به نقض فاحش حقوق بشر، جلوگیری از آن، تنبیه عاملان یا تخفیف آن ندارد.^{۳۷} به نظر می‌رسد که منشور ملل متحد از این نظر دچار تناقض جدی است. حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز در قواعد آیین کاری (بویژه حق وتو) و ساختار نیازمند بازنگری جامع می‌باشد. این سؤال مطرح است که آیا تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها کاملاً در دست یک نهاد سیاسی است که نه تنها نماینده آنها نمی‌باشد، بلکه تحت سیطره پنج عضو دائمی قرار دارد و تابع هیچ محدودیتی یا تغییری نیست؟^{۳۸}

اعلامیه وین نمونه خوبی از اسناد مهم حقوق بشری است که بی‌بهرگی از عقلانیت در آن احساس می‌شود. این اعلامیه نکته درخور

منطقه‌ای برای ارائه در کنفرانس وین دست به اقدام مشابه زدند. آنها اصرار می‌ورزیدند که نباید در امور داخلی کشورها مداخله‌ای صورت پذیرد.^{۳۲} همه این مشکلات منجر به ایجاد محدودیت‌ها و موانعی در امر معیارگذاری درباب مسایل حقوق بشری می‌شود.

مشکلات موجود در زمینه معیارگذاری

معیارگذاری در زمینه حقوق بشر از سال ۱۹۴۶ در سازمان ملل آغاز شد. در نخستین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در لندن در ژانویه ۱۹۴۶ پیش‌نویس اعلامیه حقوق اساسی بشر (Declaration of Fundamental Human Rights) ارائه گردید. اعلامیه جهانی حقوق بشر مهمترین سند حقوق بشری در جهان است. اما این سند به لحاظ حقوقی الزام آور نبوده و یک معاهده یا کنوانسیون نیست و طراحان آن نیز هرگز قصد نداشته‌اند چنین باشد.^{۳۳} نادیده گرفتن تفاوت‌های کشورهای که پیشتر به آن اشاره شد باعث تعیین غیرمنصفانه معیارهای حقوق بشری می‌شود. شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و تاریخ، فرهنگ و ارزشهای خاص کشورهای، در کنار سطوح مختلف توسعه تاریخی آنها، منجر به شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف در زمینه مقتضیات حقوق بشر شده است، لذا نمی‌توان تصور کرد که معیارها و الگوهای حقوق بشری در برخی کشورها، مناسب حال همه کشورهای دیگر نیز باشد.^{۳۴} واضح است که اگر مشکلات معیارگذاری حل نشده باقی بماند، یقیناً اجماع جهانی بر سر یک رژیم منسجم بین‌المللی حقوق بشری غیرممکن و مکانیسم‌های حقوق بشری چه به لحاظ تئوریک و چه در عمل غیرعقلانی خواهد بود.

عقلانی نبودن مکانیسم‌های حقوق

بشری و نظام حمایت از حقوق بشر

ارگانها، اقدامات و اسناد حقوق بشری گرفتار مشکل غیرعقلانی بودن هستند. نمونه‌ای از این

○ دولتهای غربی بر این نکته انگشت می‌گذارند که حقوق بشر جهانشمول است و احترام به آن با پیشینه تاریخی، فرهنگی، قومی یا مذهبی کشورها بستگی ندارد و نقض این حقوق که ذاتی افراد است، در هر کشوری نگرانی جامعه بین‌المللی را برمی‌انگیزد.

توجهی نداشته مگر تصریح دوباره هنجارهای رسمی حقوق بین الملل در خصوص موضوعات مربوط به حق تعیین سرنوشت، در حالی که امروزه بیشتر قربانیان نقض حقوق بشر بیشتر از درگیری‌های قومی یا سرنگونی دولت‌ها رنج می‌برند (مثل سومالی، لیبیا، رواندا یا افغانستان) تا از رژیم‌های خودمدار.^{۳۹}

نظام بین‌المللی حقوق بشر در حال حاضر دارای دو نقیصه دیگر نیز می‌باشد، نخست ناهمخوانی رهیافت‌های غرب و کشورهای در حال توسعه. برداشت کشورهای در حال توسعه از حقوق بشر از برخی جهات تفاوت‌های مهمی با برداشت اروپایی - آمریکایی دارد. مفهوم غیر غربی حقوق بشر بر حقوق جامعه تأکید دارد و هر جا لازم باشد ارجحیت این حقوق را نسبت به حقوق افرادی که خود را خارج از جامعه می‌بینند، نشان می‌دهد. یکی از اصول این مفهوم اعتقاد به این است که تنها در صورت تحقق حقوقی که گستره جامع‌تری از حقوق فردی دارند، حقوق افراد قابل اجرا خواهد بود.^{۴۰} این دیدگاه قیاسی، لزوماً در همه زمینه‌ها و موضوعات حقوق بشری صادق نیست.

دوم، برخورد نامعقول با ناقضان حقوق بشر. هر چند شدت نقض حقوق بشر در یک کشور خاص باید نگرانی جدی ناظران را برانگیزد، اما نباید موجب کنار گذاشتن دیگر ملاحظات شود. برای قضاوت در مورد وضع حقوق بشر در یک کشور، تنها نباید سوابق حقوق بشری آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد یا با برخی معیارهای بین‌المللی سنجید، بلکه باید تاریخ آن کشور و نیز روندهای جاری در آن را مدنظر قرار داد.^{۴۱}

بهره‌برداری سیاسی: رعایت نکردن

اصل بی‌طرفی و برخورد‌های گزینشی

در نظام حمایت از حقوق بشر

رعایت نکردن اصل بی‌طرفی

پس از گذشت حدود نیم قرن از تصویب

اعلامیه جهانی، حقوق بشر به معیاری رسمی برای سنجیدن توسعه سیاسی کشورهای جهان تبدیل شده و مورد استفاده قرار گرفته است.^{۴۲} اما پیشرفت و روند ارتقاء حقوق بشر کند (یا در حد صفر) بوده است زیرا موضوعات و نگرش‌های حقوق بشری گرفتار عدم رعایت اصل بی‌طرفی شده است. واقعیت تکان‌دهنده این است که کشورها و جامعه بین‌المللی، به طور کلی، در برابر نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بردباری بسیار از خود نشان می‌دهند، در صورتی که نقض حقوق سیاسی و مدنی احساسات ناظران را برمی‌انگیزد و از گوشه و کنار جهان خواستار توقف و جبران فوری آن می‌شوند. در واقع چنان با نقض حقوق سیاسی و مدنی برخورد می‌شود که گویی این موضوع بسی جدی‌تر و غیرقابل تحمل‌تر از نادیده گرفته شدن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح گسترده است.^{۴۳}

عملاً، هنگامی که سازمان ملل به جای بازی کردن نقش اصلی در جلوگیری از نقض همه‌گونه‌های حقوق بشر دچار تزلزل شده و در حاشیه قرار گرفته است،^{۴۴} برخی کشورها در راستای منافع خود از حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند و سعی دارند در سایه آن عقاید و اقتدار خود را بر دیگران تحمیل کنند. بنابراین، از نظر حقوقی آنچه با اصطلاح حقوق بشر (به مثابه یک عنوان مادر) تطابق دارد بدین شرح است: حق حیات، آزادی، مساوات، چنگ زدن به عدالت، و... که همه آنها را می‌توان در سه گروه حقوق فردی، حقوق سیاسی و حقوق اساسی اجتماعی طبقه‌بندی کرد.^{۴۵}

اما از سوی دیگر تحولات اخیر در زمینه رسیدگی به موضوعات حقوق بشری نیز که به هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را مثبت تلقی کرد، واقعیاتی انکارناپذیر است. یکی از این تحولات منفی، سیاسی شدن فزاینده حقوق بشر در مجامع متعدد سازمان ملل و بویژه کمیسیون حقوق بشر است^{۴۶} که به صورت زیر یا گذاشتن اصل بی‌طرفی

○ برخی از دولتها در شرق آسیا معتقدند که در اجرای حقوق بشر باید تاریخ، سنتها، فرهنگ، مذهب و سطح توسعه هر ملت را در نظر گرفت. بر پایه این فلسفه، دولتها نمی‌توانند به نام حمایت از حقوق بشر در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند.

بشردوستانه در بسیاری از مواردی که بالقوه نیاز به حمایت از حقوق بشر احساس می‌شود، هستند.^{۵۱}

حمله به جهانشمول دانستن حقوق بشر در کنفرانس وین (۱۹۹۳) از جانب برخی کشورها، واکنشی بود در مقابل نسبت‌گرایی مغرضانه موجود در سیاست خارجی کشورهای قدرتمند، که در قالب سکوت نسبت به نقض حقوق بشر ظاهر می‌شود. هنوز هم بسیاری از کشورها تخلفات دوستان خود را نادیده می‌گیرند و به تخلفات دشمنان خود حمله می‌کنند.^{۵۲} آنچه بر همه روشن است، محکوم شدن جنایات عراق در کویت از سوی آمریکا و در عین حال، سکوت آن دولت در برابر وحشی‌گری‌های اسرائیل در فلسطین است.^{۵۳} آمریکا وضع حقوق بشر در کوبا، ایران، عراق و سوریه را محکوم می‌کند ولی اقدامات اسرائیل در سرزمینهای اشغالی فلسطین و نقض حقوق بشر در عربستان و کره جنوبی را نادیده می‌انگارد.^{۵۴} اشغال سرزمینهای اعراب از سوی اسرائیل همچنان به‌عنوان وقیحانه‌ترین نمونه نقض حقوق فلسطینیان ادامه دارد.^{۵۵} شدت تخلفات حقوق بشری اسرائیل و فضاحت نقض حقوق بین‌الملل از جانب آن رژیم موضوع بحث محافل سیاسی در سراسر دنیاست، در حالی که سفارت‌های خارجی در تل‌آویو و همچنین شورای امنیت سازمان ملل خود را به بی‌اطلاعی می‌زنند.^{۵۶} آمریکا همچنین نقض حقوق بشر در مصر^{۵۷} و الجزایر را نادیده می‌گیرد.*

بر خوردهای گزینشی

کشورهایی که متهم به نقض حقوق بشر می‌شوند به‌گونه فزاینده اظهار می‌دارند که کشورهای دیگر سیاست دوگانه در زمینه حقوق بشر اتخاذ و با آنها برخورد گزینشی می‌کنند.^{۵۸} بسیار دردآور است که پس از پایان جنگ جهانی دوم دولت‌ها با استفاده گزینشی از حقوق بشر، آن را بعنوان يك سلاح ایدئولوژیک یا توجیهی برای سیاست‌های خود به کار گرفته‌اند. آنها همچنین

و برخوردهای گزینشی ظاهر می‌گردد. منظور از سیاسی شدن، استفاده ابزاری از حقوق بشر بوسیله قدرت‌های جهانی در جهت نیل به اهداف سیاسی است که هرگز متضمن نگرانی واقعی نسبت به وضع حقوق بشر نمی‌باشد.

در سال ۱۹۷۰، قطعنامه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی و اجتماعی این اختیار را به کمیسیون حقوق بشر داد که به شکایات در خصوص الگوهای دائمی و مستند نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، محرمانه رسیدگی کند. این اقدام که به رویه ۱۵۰۳ معروف شد، مانند تصمیمات مشابه، محدود و دور از بی‌طرفی بود.^{۴۷} در میان رفتارهای دور از بی‌طرفی، رفتار ایالات متحده چشمگیرتر از همه است زیرا چه «در سطح داخلی»^{۴۸} و چه در سطح بین‌المللی، خود مشکلات حقوق بشری فراوان دارد.* وزارت خارجه آمریکا از دیرباز هر سال گزارشی در خصوص عملکرد حقوق بشری کشورهای جهان منتشر می‌کند، اما فقط چندی است که این کار را در مورد وضع حقوق بشر در ایالات متحده انجام می‌دهد.^{۴۹}

از همه مهمتر، تحریم‌های آمریکاست که قبح آنها آشکار شده است. بعلاوه، ایالات متحده در سال ۱۹۸۳ گرانادا را مورد تجاوز نظامی قرار داد و این اقدام را برای حفظ جان اتباع آمریکایی و برقراری دموکراسی در آن کشور ضروری قلمداد کرد. پاناما و نیاکاراگوا نیز از گزند آمریکا مصون نمانده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس حقوق بین‌الملل توجیه آمریکا مبنی بر حفظ جان اتباع ایالات متحده و برقراری دموکراسی در سه کشور فوق را نپذیرفت.^{۵۰} این مداخلات ظاهراً بشردوستانه نیز مانند بسیاری دیگر از اقدامات آمریکا (از جمله راه‌اندازی جنگ خلیج فارس) متضمن هیچ‌گونه دغدغه حقوق بشری نبوده و این جدی‌ترین دلیل به انحراف کشیده شدن مداخلات بشردوستانه است. این نکته بویژه در خصوص قدرت‌های بزرگ صحت دارد چرا که این کشورها تواناترین و مایل‌ترین کشورها به انجام مداخلات

○ اگر برای تغییر رفتار يك کشور در برخورد با حقوق بشر، فشار بیش از اندازه به آن وارد شود، این احتمال وجود خواهد داشت که آن کشور منزوی گردد و رهبرانانش به اقدامات سرکوبگرانه‌تر تحریک شوند.

جامع و اثر گذار نبودن نظام بین المللی حقوق بشر

وجود برخی مشکلات نظیر بی توجهی به موضوعات حیاتی حقوق بشر مانند تضمین حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خویش، اهمیت ندادن به توسعه پایدار همه کشورهای که امری حیاتی برای جهان سوم است^{۶۵} و همچنین مشکلات ناشی از حجم سنگین کاری که امروزه موضوع اصلی بحث پیرامون عملکرد ارگانهای معاهده‌ای حقوق بشری است،^{۶۶} از جمله نمونه‌های عدم جامعیت و اثر گذاری نظام بین المللی حقوق بشر است.

گفتمان مدرن غرب از حقوق، متضمن مجموعه‌ای از اشکال حقوقی است که بوسیله آنها مصونیت‌ها و آزادی‌ها بعنوان حقوق قوام می‌یابد.^{۶۷} اما همزمان، غرب حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به رغم تأکیداتش بر حقوق سیاسی و مدنی چندان مورد توجه قرار نمی‌دهد.^{۶۸} و این برخلاف روح کنفرانس بین المللی ۱۹۶۸ در زمینه حقوق بشر، کنفرانس حقوق بشر در وین (۱۹۹۳) و اعلامیه وین* که بر جهانشمولی، تجزیه‌ناپذیری، بین المللی بودن و وابستگی متقابل کلیه حقوق بشری تأکید دارد، می‌باشد.^{۶۹}

از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸، و سپس تصمیم مجمع عمومی در سال ۱۹۵۰ مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و مدنی همدیگر با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،^{۷۰} تا کنفرانس وین در سال ۱۹۹۳ نظام بین المللی حقوق بشر تحت یک فرآیند بازنگری قرار گرفته است و این فرآیند نباید تا زمان نیل به یک رژیم بین المللی منسجم حقوق بشری متوقف شود. تلفیق حقوق فردی و آزادی جمعی، بناکردن حقوق بشر بر اساس امنیت اقتصادی و اجتماعی، و همچنین تلفیق این شیوه بعنوان نوعی تضمین سیاسی در برابر سیاست‌ها و روشهای پر خاشگرانه و خصمانه در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است^{۷۱} ولی تقریباً همه آنها در

برخی از مقولات حقوق بشر را برگزیده و رسمیت داده‌اند و حقوق بشر را بعنوان یک کل نمی‌نگرند. در غرب، کشورها منحصرأ بر حقوق سیاسی فردی، بعنوان حربه‌ای در مقابل دشمنان دیکتاتور خود تأکید می‌کنند، اما نقض همین حقوق را در کشورهای که از نظر سیاسی با آنها متحد هستند نادیده می‌گیرند.^{۵۹}

شاید تا حدی، اوضاع نابسامان پولی است که امروزه کشورهای را وادار به برخورد های گزینشی می‌کند.^{۶۰} جامعه جهانی فاقد منابع پولی کافی، قدرت دائمی و اراده لازم برای انجام عملیات مداوم در جهت حمایت از حقوق بشر است.

بنابر این واکنش‌های آینده نسبت به بحرانهای وخیم نیز بسیار گزینشی به نظر می‌آید؛ ظاهراً حقوق قربانیان هیچ اهمیتی ندارد و بیشترین برخوردهای گزینشی با کشورهای مسلمان صورت می‌گیرد.^{۶۱}

با ملاحظه عملکرد کنفرانس وین (۱۹۹۳) که تا حدی در اسناد نهایی آن - یعنی اعلامیه و قطعنامه وین - منعکس شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نفاق، سیاست‌های دوگانه و برخوردهای گزینشی آمریکا و دیگر کشورهای غربی در آن آشکار است.^{۶۲} در کنفرانس وین، هدف اصلی غرب که به رهبری آمریکا پرچم دفاع از حقوق بشر - بویژه در جهان سوم - را برداشته بود، حفظ منافع خود بود. این اقدام به ظاهر دلسوزانه غرب انگیزه سیاسی داشت و متضمن نگرش گزینشی و مغرضانه به حقوق بشر بود.^{۶۳} سیاستی که مبتنی بر حمایت آمریکا از حقوق جمعی از جمله حق تعیین سرنوشت سیاسی باشد، محکوم به شکست است چرا که ضرورتاً دربرگیرنده برخوردهای گزینشی است. شاید بتوان باور کرد که آمریکا از حق تعیین سرنوشت کردهای عراقی حمایت می‌کند، ولی هرگز قصد ندارد برای مثال از حق اسکاتلندی‌ها برای جدا شدن از بریتانیا پشتیبانی کند. سیاست‌های حقوق بشری مبتنی بر برخوردهای گزینشی، مستحق از دست دادن اعتبار اخلاقی است.^{۶۴}

○ مداخله بشر دوستانه که گاهی ابزار تازه‌ای برای تضمین احترام به حقوق بشر قلمداد می‌شود، آخرین امید قربانیان نقض حقوق بشر است. اما این ابزار نیز در معرض خطر غیر عقلانی شدن قرار دارد.

عمل غیر مؤثر و ناقص باقی مانده است.

بر طیف وسیع تلاش‌های سازمان ملل در جهت ارتقاء و حمایت از حقوق بشر است.^{۷۵} اما اندیشه جهانشمول بودن حقوق بشر تا چه اندازه صحت دارد؟

برخی از حقوق بشری، بین‌المللی و آمرانه است. مادام که خط‌مشی حقوق بشری بر این هنجارهای آمرانه بین‌المللی استوار باشد، منعکس‌کننده امپریالیسم اخلاقی نخواهد بود. در واقع عدم پافشاری بر پیروی از هنجارهای حقوق بشری به رسمیت شناخته شده در سطح بین‌المللی خطر نژادپرستی را در پی دارد که عواقب آن از نفی جهانی بودن این هنجارها کمتر نیست. معیارهای شناخته شده حقوق بشر در سطح بین‌المللی، دستکم ضوابط آداب و وقار است، نه زرق و برق تجملات غرب (اثر لاورد؛ سال انتشار ۱۹۸۷: ص ۲۱). کشورهای غربی توجه کافی به حقوق اجتماعی و اقتصادی مبذول نمی‌دارند. دلیل اصلی این امر، پیشرفته بودن اقتصاد آنهاست. بنابراین، تأکید بیشتری بر حقوق سیاسی و مدنی دارند، و همین نکته است که تجزیه‌ناپذیری حقوق بشر را خدشه‌دار می‌سازد.^{۷۶} حقوقی را که دنیای صنعتی جهانشمول می‌داند، عملاً برای حدود یک چهارم جمعیت جهان اعتبار دارد. بررسی عمیق تاریخ، تأیید می‌کند که حق توسعه یکی از حقوق اصلی و واقعی بشری است که جنبه جهانی دارد.^{۷۷} طرفداران نظریه جهانشمول بودن حقوق بشر بر یکپارچگی منشور بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر و... تأکید می‌ورزند و استدلال می‌کنند که حقوق مطروحه در این معاهدات بین‌المللی از اجزاء اساسی حقوق طبیعی است و حقوق طبیعی برای ابنای بشر جنبه جهانشمول دارد.^{۷۸}

بنا به تاریخ حقوق طبیعی، حقوق بشر حقوقی است که در همه اعصار و زمان‌ها، به صرف انسان بودن انسانها به تمامی آنها تعلق دارد. این حقوق به گفته لاک (Locke) شامل حق حیات، آزادی و مالکیت خصوصی است. هرگز نیازی به این نیست که حقوق مذکور از سوی دولت‌ها یا هر

یکی از مهمترین علل مشکلات فوق، نبود منابع مالی کافی برای حمایت از حقوق بشر است که گریبانگیر ارگانهای مهم حقوق بشری مانند کمیسیون حقوق بشر می‌باشد.^{۷۲} احساس مسئولیت ملی تنها عامل مهم برای کمک به شکل‌گیری یک رژیم مستحکم حقوق بشری در نظام بین‌الملل است. تعهد و احساس مسئولیت ملی، همچنین سرچشمه «اراده سیاسی» است و «اراده سیاسی» زیربنای اکثر رژیم‌های قدرتمند است.^{۷۳}

دیدگاه فرانگر: جریانهای مختلف و

امکانپذیری شکل‌گیری یک رژیم

بین‌المللی منسجم حقوق بشری

در میان دیدگاه‌های مهم حقوق بشری دو دیدگاه در باب نظام بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد که از بقیه مهمتر و جامع‌تر است: عام‌نگری و نسبت‌گرایی. راز (Raz) حقوق را منبعث از علائق و ارزشها می‌داند و بنابراین، جهانشمول بودن آن را زیر سؤال می‌برد. جوریت (Gew-rith) برخلاف وی، منبع حقوق بشر جهانشمول را خصیصه جهانی بودن اخلاق می‌داند و ادعا می‌کند که اخلاقیات جهانشمول است و همه به آن اعتقاد دارند. وی معتقد است که اخلاقیات در کل، تکالیفی برای افراد قائل است و بدین‌وسيله انسانها را ملزم به عملی کردن این تکالیف می‌کند. چون «باید» متضمن «شاید» می‌باشد، وظایف و تکالیف، نیازمند مقتضیات کلی و عملی یعنی آزادی و رفاه است تا از آن طریق حقوق ایفا گردد. بنابراین آزادی و رفاه جزو حقوق بشری جهانشمول است.^{۷۴} این مقدمه کوتاه برای بررسی مختصر دو رهیافت مهم عام‌نگری و نسبت‌گرایی کافی به نظر می‌رسد.

دیدگاه‌های یونیورسالیستی (عام‌نگر)

جهانشمول بودن، تجزیه‌ناپذیری و ارتباط و وابستگی متقابل همه حقوق بشری، اصل حاکم

○ منشور ملل متحد
استفاده جمعی از زور را برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی پیش‌بینی کرده است، ولی هیچ اشاره‌ای به استفاده جمعی از زور برای تحقق اهداف دیگر از جمله برای پایان دادن به نقض فاحش حقوق بشر، جلوگیری از آن، تنبیه عاملان یا... ندارد.

نظام حقوقی دیگری به رسمیت شناخته شود چرا که جهانشمول است. تقاضای به رسمیت شناختن حقوق بشر ارزش این حقوق را تا حد حقوق قانونی پایین می آورد، و دولت را به منبع حقوق بشر تبدیل می کند و در نتیجه، طبیعت حقوق بشر انکار می شود.^{۷۹} جهانشمولی در باب خیر و فضیلت انسانی صادق است: ابنای بشر از برخی جهات یکسره همانند یکدیگرند. مثلاً آنچه برای برخی از مردم خوب است برای همگان خوب است و آنچه از سوی برخی از انسانها بد شمرده می شود برای تمامی نوع بشر بد است.^{۸۰}

اما حتی برخی ادعا می کنند که شرافت (تمامی) ابنای بشر جای بحث دارد^{۸۱} (در زیر به این موضوع اشاره خواهد شد).

چالش های موجود میان غرب و کشورهای در حال توسعه به ما اجازه نمی دهد که حتی موجودیت عام نگری را بپذیریم و این عقلانی و طبیعی است و به قول جک دانلی (Jack Donnel-ly)، «حقوق بشر... نسبتاً جهانشمول است».^{۸۲}

نسبیت گرایی

نسبیت گرایی در حقوق بشر به اشکال گوناگون مانند نسبیت گرایی انسان شناسانه، معرفت (شناخت) شناسانه و فرهنگی رخ می نماید.^{۸۳} قلب نسبیت گرایی در زمینه حقوق بشر این است که هیچ چیز برای همه انسانها خوب یا بد نیست، چون ابنای بشر از جنبه های گوناگون با یکدیگر فرق دارند.^{۸۴} نسبیت گرایی* معتقدند که ارزشهای اخلاقی جهانشمول نیست بلکه به تاریخ و فرهنگ بستگی دارد.^{۸۵}

طرفداران نسبیت گرایی فرهنگی اصلی ترین اعتراض را به تئوری حقوق طبیعی دارند و جهانشمولی فرهنگ را «امپریالیسم فرهنگی» می دانند.^{۸۶} چنان که ملویل هرسکوویتس (Melville Herskovits)، آدامانتیا پولیس (Adamantia Pollis) و پیسترس شواب (Peter Schwab) استدلال می کنند، معاهدات بین المللی حقوق بشری، دیدگاه های قوم مدارانه غرب را منعکس می کند و تحمیل معیارهای

خارجی (غربی) بر سایر فرهنگها - که دارای ارزش های متفاوت هستند - نادرست است.^{۸۷} تنوع فرهنگی موجود در سطح جهان، مانع از تحقق معیارهای مشترک جهانی حقوق بشری می شود.^{۸۸} حداعلائی نسبیت گرایی فرهنگی آن است که قائل به یگانگی فرهنگ بعنوان تنها منبع اعتبار يك حق یا قاعده اخلاقی باشیم.^{۸۹} گذشته های سیاسی، میراث های فرهنگی، شرایط اقتصادی، و مشکلات حقوق بشری محققاً در غرب و دیگر کشورها از جمله در جهان سوم متفاوت است. نسبی بودن فرهنگ، يك واقعیت است - نهادها و ارزشهای اجتماعی، با گذشت زمان و بسته به مکان پیوسته متحول شده و می شوند.^{۹۰} سویس بهترین نمونه از جهت داشتن فرهنگ های متفاوت است که همزیستی مسالمت آمیز شهروندان آن در حد اعلاست. برای مثال، در کانتون های فرانسه زبان سویس، زبان رسمی آموزش و پرورش در مدارس عمومی، فرانسه است. کانتون های آلمانی و ایتالیایی زبان نیز از همین شیوه پیروی می کنند و هر يك زبان مربوط به خود را در مدارس عمومی ملاک قرار می دهند، بی آن که تداخلی میان آنها از نظر زبان به وجود آید.^{۹۱} دنیا نیز باید به جای اندیشه های جزم گرایانه تحمیلی از نظام مشابهی برخوردار شود.

ویژگی های نظام آینده حمایت از

حقوق بشر

برای حل مشکلات بر شمرده شده در بخش نخست این مقاله، باید به نقش کلیدی سازمان ملل و تکمیل فرآیندهای معیار گذاری توسل جوییم.

نقش کلیدی مکانیسم های حقوق

بشری سازمان ملل

برای تضمین پاسخگویی کشورها در قبال مسئولیت آنها در خصوص پیروی از معیارهای مطرح شده در اسناد حقوق بشری نیازمند يك

○ کشورهای و جامعه بین المللی در برابر نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بردباری بسیار از خود نشان می دهند، در حالی که نقض حقوق سیاسی و مدنی احساسات ناظران در سراسر جهان را برمی انگیزد.

از بند این قدرت سیطره‌جو رهایی یابد و ساختار و آیین کار شورای امنیت نیز اصلاح گردد.

تکمیل فرایند معیار گذاری

ایجاد تعادل میان مسئولیت‌ها و حقوق

در صورت تخطی کشورهای طرف معاهدات مربوطه از معیارهای حقوق بشر، مسئله مسئولیت آنها مطرح می‌شود و دولت‌های خاطی باید پاسخگو باشند.^{۹۸} دولت‌ها، بعنوان موضوعات اصلی حقوق بین‌الملل، مشمول... مسئولیت دولتی هستند. این مسئولیت در مواردی که دولت‌ها از تعهدات ناشی از معاهدات مربوطه یا حقوق بین‌الملل عمومی تبعیت نکنند، مطرح می‌شود. با به رسمیت شناختن افراد بعنوان موضوعات جدید حقوق بین‌الملل و با توجه به این که مجموعه قوانین حقوق بشری مشمول مسئولیت کیفری بین‌المللی است،^{۹۹} دولتی که مایل به انجام این مسئولیت است باید از حقوق متناسب با مسئولیت‌های خود برخوردار باشد.

برای مثال، اعمال تحریم در مورد کشوری آسیب‌دیده و بی‌پناه منجر به نقض گسترده حقوق بشر در آن می‌شود و دیگر نمی‌توان از آن انتظار انجام مسئولیت را داشت و لذا عدم تناسب حقوق و مسئولیت‌های آن اصلی‌ترین نتیجه تحریم‌های تنبیهی است. باید میان حقوق و مسئولیت‌های فرد نیز توازن برقرار کرد. برخورداری از تمامی حقوق در مقابل به انجام رسانیدن تمامی تکالیف مربوطه در چارچوب مسئولیت دولتی یا فردی، آرزویی همگانی است.

حقوق جمعی

برخی از نظریه‌پردازان حقوق بشری معتقدند تنها افراد می‌توانند موضوع حقوق بشری باشند. برخی دیگر از حقوق جمعی دفاع می‌کنند.^{۱۰۰} کیم‌لیکا (Kymlicka) نظریه‌ای لیبرالیستی در خصوص حقوق جمعی ارائه می‌کند. از دیدگاه وی، توجیه (دلیل وجودی) جوامع لیبرال آن است که ارزشهای خود را بر جوامعی تحمیل می‌کنند

مکانیسم نظارتی هستیم.^{۹۲} غیر از سازمانهای غیردولتی و منطقه‌ای، مداخله مؤثر سازمان ملل متحد برای حمایت از حقوق بشر ضروری است، زیرا سازمان ملل قادر است در تمام نقاط دنیا مسئولیت خود را به انجام رساند.

سازمان ملل در طول سالها، مجموعه‌ای از مکانیسم‌های نظارتی را توسعه داده است. وظیفه آنها نظارت بر عملکرد دولت‌ها و توجه به مطابقت آنها با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر است.^{۹۳} همچنین منشور ملل متحد اشعار می‌دارد که تمامی کشورهای عضو متعهدند این وظیفه را به انجام رسانند.* سازمان ملل تأسیس نظام‌های منطقه‌ای را بعنوان بخشی از نظام بین‌المللی اجرای حقوق بشر تشویق کرده است. پیشنهاد تلاش‌های بیشتر برای تأسیس نظام‌های حقوق بشری منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای نیز در کنفرانس ۱۹۹۳ ارائه گردید.^{۹۴} ولی سازمانهای منطقه‌ای واقعاً جایگزین مناسبی برای سازمان ملل نیست و دسترسی همگانی به آنها وجود ندارد.^{۹۵}

اما اگر سازمان ملل بر مبنای اجماع نظر عمل کند، آنگاه معقول است که بگوییم در جهت حمایت از جامعه کشورهای در حال توسعه و بنابراین می‌توانیم هنجارها و رویه‌های حقوق بشری بین‌المللی حاصله را رژیم جهانی حقوق بشر بنامیم. کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، که یکی از ارگانهای فرعی دائمی شورای اقتصادی و اجتماعی و مرکز رژیم جهانی حقوق بشر است،^{۹۶} نقش مهمی در این زمینه بازی خواهد کرد.

اعلامیه حقوق بشر وین تا حدی نشانگر پیشرفت در موضوع حقوق بشر در مقایسه با زمان تصویب اعلامیه جهانی در ۱۹۴۸ است. اعلامیه وین شامل مفاهیم جدیدی چون پیشرفت دادن دستگاه سازمان ملل، نمایندگی از جانب ملت‌ها به جای دولت‌ها، واکنش به موقع،... است. سازمان ملل به گونه‌ای فزاینده حامی منافع قدرت‌های بزرگ شده است و در حال حاضر نیز تحت سلطه آمریکا قرار دارد.^{۹۷} سازمان ملل باید

○ یکی از تحولات منفی در زمینه رسیدگی به مسائل مربوط به حقوق بشر، سیاسی شدن فزاینده موضوع حقوق بشر در نهادهای وابسته به سازمان ملل بویژه کمیسیون حقوق بشر است که به صورت زیرپا نهادن اصل بیطرفی و برخورد‌های گزینشی ظاهر می‌گردد.

به منظور حفظ حقوق بشری همه بخش‌های جوامع، باید حقوق فردی و حقوق جمعی به درستی و به طور کامل فهمیده شود.

کرامت انسانی

معیارهای بین‌المللی حقوق بشر قابل انطباق با هرگونه نظام حقوقی است. کرامت انسانی یقیناً در اسناد بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد.^{۱۰۵} برای مثال، میثاق‌های بین‌المللی اشعار می‌دارد که حقوق بشر در کرامت ذاتی شخص انسان ریشه دارد.^{۱۰۶} بنابراین احترام به کرامت انسانی یکی از پایه‌های رژیم واقعی حقوق بشر است.

نتیجه‌گیری

نخستین گام به سوی رژیم منسجم بین‌المللی حقوق بشر شناخت درست مشکلات موجود و در نتیجه یافتن راه‌حل‌های مناسب برای آنهاست. فهم این مشکلات نیازمند تلاش‌هایی در زمینه آموزش و پرورش چه از جانب دولت‌ها و چه از جانب سازمان ملل یا سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. اسنادی چون اعلامیه جهانی، که پیشتر با اوضاع و احوال زمان تصویب خود مناسبت دارد نیز نیازمند اصلاح جدی و جامع است.

گام دیگر، پذیرفتن این نکته است که در برخی زمینه‌ها حقوق متفاوت است، هرچند اسلام و مسیحیت و دین یهود اولویت را به برابری همهٔ انبای بشر در برابر خداوند داده‌اند. نباید صرفاً بر حقوق بشر فردی تأکید کرد و حقوق ملت‌ها (جمعی) را نادیده گرفت (غرب حقوق فردی را به رسمیت می‌شناسد). تقریباً همهٔ انسانها باور دارند که حداقل حقوق بشری مانند حق شکنجه نشدن جهانشمول است، اما هیچ کس نمی‌تواند بگوید همهٔ انسانها باید زیر چتر واحد جهانی حقوق بشری قرار گیرند (چرا که تفاوت‌ها نادیده گرفته می‌شود). جامعه جهانی نمی‌تواند خالی از تنوع قومی، فرهنگی، نژادی و... باشد. لذا از این نظر خوب است شیوه برخورد دولت

که ارزشهای دیگری را برگزیده‌اند. کوکاتاس (Kukathas)، برخلاف وی استدلال می‌کند که لیبرال‌ها باید جوامعی را که برای خودمختاری ارزشی قائل نیستند، تحمل کنند، مشروط بر این که حق سلب عضویت اعضای خود (خروج) و برخی حقوق اساسی بشری را به رسمیت بشناسند.^{۱۰۱}

مسئله حقوق جمعی به دو دلیل رخ می‌نماید: اول، چون مفهوم حقوق بشر فردی وارد نوعی گفتمان بین‌المللی شده است که قائل به انواع مختلف جمع‌گرایی (Collectivism) می‌باشد. دوم، چون نظریه و عملکرد دموکراتیک - لیبرال، به لحاظ سنتی خود را با رابطه میان حقوق فردی و حقوق جمعی دولت - ملت پیوند داده است.^{۱۰۲} حقوق فردی و حقوق جمعی ممکن است توجیهی یکسان داشته باشند. حقوق و وظایف ارتباط متقابل دارند زیرا وقتی ذاتاً نتوانیم وظایف و تکالیف خود را به انجام برسانیم، واقعاً نمی‌توان نام تکلیف بر آنها نهاد و در نتیجه حقوق مرتبط به آنها نیز واقعاً تلقی نمی‌شود. ایجاد توازن میان حقوق متعارض بسیار دشوار به نظر می‌رسد. از آنجا که منافع مبتنی بر ارزشها، پایه‌ریز حقوق است، روابط مفهومی میان حقوق فردی و جمعی، به انواع ارزشها و منافع بستگی پیدا می‌کند که می‌تواند زیربنای حقوق مفروض باشد.

افراد گرایش به زندگی در جوامع دارند؛ جوامع می‌توانند منافع جمعی مانند حق تعیین سرنوشت داشته باشند؛ ولی هیچ حق فردی بر حق تعیین سرنوشت جمعی مترتب نیست زیرا حضور و اقدامات دیگران برای شکل‌گیری حق تعیین سرنوشت ضروری است و هرگز منافع فرد نمی‌تواند دلیل کافی برای تحمیل مسئولیت‌های سنگین بر دیگران باشد.^{۱۰۳}

ممکن است حقوق جمعی برای حمایت از حقوق فردی ضرورت داشته باشد. دموکراسی مبتنی بر مساوات فردی در جوامع چندقومیتی، ممکن است به نقض حقوق بشری اعضای جوامع اقلیت بینجامد.^{۱۰۴} برای تشکیل رژیمی کارآمد

○ جامعه جهانی فاقد منابع مالی کافی، قدرت کافی و اراده لازم برای پشتیبانی مداوم از حقوق بشر است.

سوئیس با شهروندانش الگو قرار گیرد.

دستکم می‌توان در جهت تحقق آن کوشید؛ و این کوشش هم برای انسانها و هم برای حقوق بشر ارزشمند است.

یادداشتها:

* رژیم بین‌المللی مجموعه‌ای است از اصول، هنجارها، قواعد و آیین‌های تصمیم‌گیری که از سوی دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی مربوطه در یک حیطه موضوعی خاص الزام‌آور شناخته شده است. اندیشه رژیم به الگوهای حکومت بین‌المللی که لزوماً به معاهده یا سازمان خاصی محدود نمی‌شود اشاره می‌کند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Stephen D. Krasner, "Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables"

که در کتاب زیر آمده است:

Krasner (ed), "International Regimes" (Ithaca: Cornell University Press, 1982), p.2.

1. Boyle, Kevin, "Stock - Taking on Human Rights: The World Conference on Human Rights. Vienna 1993", **Politics and Human Rights** (ed. by David Beetham), Oxford, UK Blackwell Publishers, 1995, p.82.

2. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights in theory and Practice**, Ithaca and London, Cornell University Press; 1989, p.223.

3. **Ibid.**, p. 210.

* مانند حقوق کارگران، تبعیض نژادی، شکنجه، حقوق زنان.

* مانند رژیم اروپایی، رژیم آمریکایی (مخصوص کشورهای قاره آمریکا)، رژیم آفریقا، آسیا و خاورمیانه.

** مانند رژیم تبیینی، پیشبردی و غیره.

4. **Ibid.**, pp. 213-217.

5. **Ibid.**, p. 233.

6. Muhaqqiq Damad, Mustafa, "Human Rights in the West and Islam", **Message of Thaqaalayn** (a quarterly Journal of Islamic Studies, Ahl al - Bayt'a), Tehran, World Assembly; Vol.3, No.3, Autumn, 1997, pp. 100-101.

7. Boven, Theo van, "Human Rights and Rights of People", **European Journal of International Law** (E. J. I. L), Rome; Italy, European University Institute; Vol. 6, No. 3, 1995. p. 472.

8. **Ibid.**, p. 469.

9. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**

ابزار دیگر برای حمایت از حقوق بشر، قدرت اجرایی و قهری بی طرف، مؤثر و

سریع‌العمل است اما این قدرت نباید ایالات متحده یا سازمان ملل به انحراف کشیده شده

باشد. این قدرت، جامعه جهانی است که با استفاده از سازمانهای دولتی و منطقه‌ای ضمن توجه به

مقولات حقوق بشری جهانی شمول، هرگز از مقولات خاص (غیرجهانشمول) در حقوق بشر

غافل نمی‌ماند و قادر به حمایت همه‌جانبه از حقوق بشر است. بنابراین، در صورت تخطی

دیگران، هر دولتی احساس می‌کند حقوق آن نیز نقض شده است. نظام‌های نظارت و گزارش‌دهی،

روشهای مکاتبه‌ای (شکایات مکتوب)، ارگان‌های نظارتی، دسترسی به سازمانهای حقوق بشری و

وجود ملاک‌های معقول برای کنترل‌کنندگان، باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد و همزمان حقوق

جهانشمول، نسبی، منطقه‌ای، مذهبی، اقلیتی، ... و قومی همه با هم در دستور کار آنها مورد توجه

باشد. برای مثال، کشورهای اسلامی مکانیسم خاص خود را در این دستگاه و تحت لوای

سازمان ملل حفظ کنند و غرب ارزشهای خود را بر آن تحمیل نکند.

یکی از موضوعات حقوق بشری پیچیده و

حائز اهمیت که جزء اصلی رژیم بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، نظام مداخله

بشردوستانه است. برای جلوگیری از مداخله بی‌اساس یا سیاسی، می‌توان نیروهای حافظ صلح

یا مجری حقوق بشر را از میان خود قربانیان برگزید و تحت نظارت سازمان ملل به آنها

اختیاراتی داد و به هزینه خود آنها عملیات بشردوستانه را به انجام رساند، زیرا این هزینه یقیناً

از خسارات وارده بر آنها در اثر نقض حقوق بشر بسیار کمتر است.

در پایان ذکر یک نکته ضروری است. رژیم بین‌المللی آینده حقوق بشر، تنها هنگامی سودمند

خواهد بود که هیچ‌یک از ابنای بشر سایر ارزشهای انسانی و آسمانی را نادیده نگیرد. اگر

نیل به رژیم مطلوب غیرممکن به نظر می‌رسد،

○ سیاستهای حقوق

بشری مبتنی بر

برخوردهای گزینشی،

در خور از دست دادن اعتبار

اخلاقی است.

○ نسبت گرای در
زمینه حقوق بشر بدین
معناست که هیچ چیز برای
همه انسانها خوب یا بد
نیست، چون ابنای بشر از
جنبه‌های گوناگون با هم
فـسـرق دارند. از دید
نسبت گرایان ارزشهای
اخلاقی جهانشمول نیست
بلکه به تاریخ و فرهنگ
بستگی دارد.

* میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، صدور حکم اعدام برای افرادی را که سن آنها از ۱۸ سال کمتر است ممنوع می‌شمارد. اما قوانین آمریکا در تعارض با این میثاق است.

23. Ching, Frank, "US Opens up Human Rights Record to Scrutiny", (**F. E. E. R**); April, 8, 1993, p. 28.

24. Vatikiotis, Michael and Delfs, Robert, "Cultural Divide", (**F. E. E. R**); June 17, 1993, p.20.

25. Boven, Theo Van, pp. 463-464.

26. Boyle, Kevin, p. 81.

27. Anthony, Anghie, p. 341.

28. Avebury, Lord Eric, "Democracy and Human Rights", **Dialogue**, London, Public Affairs Committee for Shia Muslims; June, 1995.p.3.

29. Awanoharan, Sasumu, p. 16.

30. **Ibid.**, p. 16.

31. Ching, Frank, p. 28.

32. Awanohara, Sasumu, p. 17.

33. Yimer, Fisseha, pp. 16-26.

34. Speech of Liu Huaquin, Head of Chinese Delegation, Vienna, June 15, 1993.

35. Schwennineri, Sherle R. "Moving Human Rights to Counterstage", **World Policy Journal**; Vol. IX, No.2, Summer, 1992, p. 421.

36. Wolf Witz, Pau, "Human Rights Policy Must Join Idealism With Realism", **Friday**, Dhaka, Bangladesh; 8-14 January, 1993, p. 22.

37. Henkin, Louis H, "Humanitarian Intervention", printed in Chapter 14 of "**Human Rights: An Agenda for the next Century**" ed. by: Louis H. Henkin and John Lawrence Hargrave, (ASL): Washington D.C. The American Society of International Law, (Studies in Transnational Legal Policy; No. 2); 1994, p.384.

38. Henkin, Louis. H., p. 393.

39. Boyle, Kevin, p. 93.

40. Dagg, Christopher J., "Human Rights and Aid:...", **The Indonesian Quarterly**; Jakarta, Center for Strategic and International Studies; Vol. XXI, No. 1, First Quarter 1993, p. 47.

41. Donnelly, Jack, "Human Rights in the New World Order", p. 274.

in theory and Practice, p. 229.

10. Donnelly, Jack, "Human Rights in the New World Order", **World Policy Journal**, NewYork, N.Y, World Policy Institute; Vol. IX, No.2, Spring 1992, p. 249.

11. **Ibid.**, p. 259.

12. Singer, Michael; "Jurisdictional Immunity of International Organizations: Human Rights and Functional Necessity Concerns", **Virginia journal of International Law**, University of Virginia; Vol. 36, No.1, Fall, 1995, pp. 88-89.

13. Morello, Ted, "Untac under Attack,....", **Far Eastern Economic Review** (F. E. E. R), Hong Kong; June 17, 1993, p.22.

14. Boven, Theo Van, p. 466.

15. Wiseberg, Laurie, "Access to UN Human Rights Documentation", **Human Rights Quarterly** (H. R. Q), Baltimore, MD. The Johns Hopkins University Press; Vol. 11, No.2, May 1997, pp. 350-351.

16. Speech of Vice - Foreign Minister Liu Huaquin, Head of the Chinese Delegation to the World Conference on Human Rights held in Vienna on June 15, 1993, "Proposals for Human Rights' Protection and Promotion", **Beijing Review**, Beijing; Vol. 36, No. 26, 1993, p.9.

17. Yimer, Fisseha, "UN and Human Rights", **Ethioscope** (Quarterly), Addis Ababa, Ethiopia; Vol. 2, No. 2, 1996, pp. 19-26.

18. Anghie, Anthony, "Human Rights and Cultural Identity..." **Harvard International Law Journal**, Cambridge, Massachusetts, Harvard Law School; Vol. 33, No 2, Spring 1992, pp.341-352.

19. Musa, Hussain, "The International Conference on Human Rights...", **The Arab Review**, UK, Kufaan Publishing Ltd; Vol.2, No.3, Winter 1994, p. 30.

20. Taylor, Charles, "A World Consensus on Human Rights", **Dissent**, New York, N. Y, Foundation for the Study of Independent Social Ideas; Summer 1996, pp. 15.

21. Romulo R, Roberto, "We Must Try Harder", (**F. E. E. R**); August 12, 1993, p.24.

22. Awanohara, Sasumu and others, "Vienna Showdown", (**F. E. E. R**); July 17, 1993, p.17.

مصر است. در سال ۱۹۸۶ مصر اولین کشوری بود که کنوانسیون مبارزه با شکنجه و سایر رفتارها یا تنبیهات خشن، غیر انسانی و موهن سازمان ملل را تصویب کرد.

58. Yimer, Fisseha, p. 25.

59. Romulo R. Roberto, p. 24.

60. Qouted from: Cuelle, Andre, (MP of Canada), "A Change of Heart", **Maclean's**, Canada's Weekly Magazine, Ottawa; Vol. 107, No. 12, March 11, 1994, p. 13.

61. Wright, Robin, p. 3.

62. Musa, Hussain, p. 31.

63. **Ibid.**, p. 29.

64. Coullen, Robert, "Human Rights Quarterly", **Foreign Affairs**, New York, N.Y., Council of Foreign Relations; Vol. 72, No. 5, Winter, 1992/93. p. 85.

65. Musa, Hussain, pp. 30-31.

66. Heffernan, Liz, "A Comparative View of Individual Petition Procedures under the European Convention on Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights", (**H. R. Q**); Vol. 19, No. 1, February, 1997, p.119.

67. Taylor, Charles, p. 16.

68. Musa, Hussain, p. 29.

* برای مثال بند ۵ اعلامیه وین اشعار می‌دارد که «تمامی حقوق بشر جهانشمول، تجزیه‌ناپذیر، دارای وابستگی متقابل به یکدیگر و نیز دارای رابطه متقابل با یکدیگر است. جامعه بین‌المللی باید به شیوه‌ای منصفانه و بر اساس مساوات و با دیدی جهانی به حقوق بشر بنگرد و به‌طور یکسان بر تمامی حقوق بشری تأکید ورزد. چون اهمیت ویزگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و مذهبی باید مد نظر قرار گیرد، لذا وظیفه دولت‌هاست که کلیه حقوق بشری و آزادی‌های اساسی را ارتقاء بخشند و مورد حمایت قرار دهند و این به نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها بستگی ندارد.»

69. Boven, Theo Van, p. 469.

70. Yimer, Fisseha, pp. 21-22.

71. Boven, Theo Van, pp. 461-462.

72. Chaus, Khalida, "Human Rights and UN's Role", **Pakistan Horizon**, Karachi Pakistani Institute of International Affairs; Vol. 49, No.2, April, 1996, p. 30.

73. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**, p. 226.

42. Wright, Robin, "Defining Heroes in a World Shaded in Gray", **The Japan Times Weekly**; March, 1993, p.3.

43. Beetham, David, "What Future for Economic and Social Rights?", **Politics and Human Rights**, p. 41.

44. Donie, Bob, "Bosnia and Herzegovina - A tradition Betrayed", **Dialogue**; November 1994, p.8.

45. Muhaqqiq Damad, Mustafa, pp. 81-82.

46. Yimer, Fisseha, p. 25.

47. Donnelly, Jack, **International Human Rights**, Boulder, Colorado, Westview Press; 1993, p. 25.

48. Review Correspondents, "Attack of Nerves...", (**F.E.E.R**); November 1992, pp.20-21.

* نخست‌وزیر مالزی، داتوک سری ماهاتیر محمد در این رابطه اظهار داشته است: «بهتر است آمریکایی‌ها ابتدا مشکلات حقوق بشری خود را حل کنند و سپس به صدور ایده‌های خود به سایر کشورها بپردازند. این درست نیست که شما دیگران را به انجام کاری نصیحت کنید که خود پایبند به آن نیستند.»

49. Ching, Frank, p. 18.

50. Henkin, Louis H., p. 387.

51. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**, p. 263.

52. Boyle, Kevin, p. 88.

53. Musa, Hussain, pp. 31-32.

54. **Ibid.**, p. 29.

55. Audoni, Louis, "The Human Rights Issu, in the Occupied Territories", **Middle East International**, London; February 18, 1994, p.17.

56. Sosebee, Stephen, "Israeli Death Squads Defy US Human Rights Criticism", **Washington Report on Middle East Affairs**, Washington; Vol. XII, No.3, September - October 1993, p. 13.

57. Nopolic, James J. "Egypt's Campaign against Islamists...", **Washington Report on Middle East Affairs**; Vol. XII, No. 2, July/ August 1993, p. 54.

* گزارش‌های متعددی که یکی پس از دیگری در سال‌های اخیر منتشر شده حاکی از داعیه‌هایی مبنی بر تداوم نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در مصر است. این گزارش‌ها شمار این تخلفات را رو به افزایش پیش‌بینی می‌کند. این برخلاف تعهدات سال ۱۹۸۶

○ طرفداران
نسبیت‌گرایی فرهنگی،
اصلی‌ترین اعتراض‌ها را
به تئوری حقوق طبیعی
دارند و جهانشمول
خواندن فرهنگ را
«امپریالیسم فرهنگی»
می‌دانند.

○ معیارهای بین‌المللی
حقوق بشر قابل انطباق با
هر گونه نظام حقوقی است
و احترام به کرامت ذاتی
انسان یکی از پایه‌های رژیم
واقعی حقوق بشر به شمار
می‌آید.

* مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد که «کشورهای عضو متعهد می‌شوند برای نیل به ارتقای احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته‌جمعی معمول دارند.»

94. Boyle, Kevin, p. 82.

95. Weiss, Thomas, G., "Humanitarian Intervention in a New Era", **World Policy Journal**; Vol. XI, No. 1, Spring, 1994, p. 65.

96. Donnelly, Jack, **International Human Rights**, p. 58.

97. Musa, Hussain, p. 32.

98. Boven, Theo Van, pp. 472-473.

99. **Ibid.**, p. 411.

100. Freeman, Michael, p. 28.

101. **Ibid.**, pp. 35-36.

102. **Ibid.**, p. 26.

103. **Ibid.**, pp. 28-30.

104. **Ibid.**, p. 32.

105. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**, p. 295.

۱۰۶. مقدمه میثاقین بر کرامت ذاتی انسان تأکید کرده‌اند. مقدمه میثاقین با «طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است»، شناسایی کرامت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر را «مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان» معرفی می‌کنند و حقوق مذکور را ناشی از کرامت ذاتی شخص انسان عنوان می‌نمایند. احترام به کرامت ذاتی افراد در مواد ۱۰، ۱۷(۱)، (ب) (۳) ۱۹، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۳(۱) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به نحوی بر کرامت و حیثیت انسان تأکید دارند. لازم به ذکر است که میثاقین در سال ۱۳۵۴ به تصویب پارلمان ایران رسیده و از جهت حقوق داخلی جنبه قانونی یافتند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴، چاپ روزنامه رسمی، صص ۹۴-۷۶ و صص ۴۵۶-۴۴۶.

- عبادی، شیرین، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۳.

74. Freeman, Michael "Are There Collective Human Rights?" **Politics and Human Rights**, p. 31.

75. Boven, Theo Van, p. 461.

76. Wanadis, Jusuf, "Human Rights and Democracy in the ASEAN Nations" **The Indonesian Quarterly**, Jakarta, Center for Strategic and International Studies; Vol. XXI. First Quarter of 1993, p. 17.

77. Pier, Gerard, "Raw Freedom", **The Nation, US**; August 9-16, 1993, p. 461.

78. Marfording, Annette, "Cultural Relativism and the Construction of Culture...", (**H. R. Q**); May 1997, p. 431.

79. Lunis, Mulya, "Human Rights Standard Setting in Asia...", **The Indonesian Quarterly**, Vol. XXI, No.1, 1993, pp. 27-28.

80. Perry, Michael J., "Are Human Rights Universal?..." (**H. R. Q**); Vol. 19, No.3, August, 1997, p. 472.

81. **Ibid.**, pp. 462-363.

82. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**, p. 124.

83. Perry, Michael J., pp. 508-509.

84. **Ibid.**, p. 468.

* برای مثال کنان (Kennan) اظهار داشته است که هیچ معیار اخلاقی در جهان وجود ندارد که در سطح بین‌المللی یکسان مورد قبول همه واقع شود. لذا اگر آمریکا بخواهد به اسم اصول اخلاقی عمل کند، نمی‌تواند یک معیار اخلاقی جهانی را مستمسک قرار دهد (چون وجود خارجی ندارد).

85. Kennan, George F., "Morality and Foreign Policy", **Foreign Affairs** (Winter 1985- 1986), p. 206, and **Realities of American Foreign Policy** (Princeton University Press, 1954), p.48, and also quoted by Jack Donnelly in **Universal Human Rights**, p. 234.

86. Lunis, T. Mulya, p. 28.

87. Boyle, Kevin, p. 87.

88. Marfording, Annette, pp. 431-432.

89. Donnelly, Jack, **Universal Human Rights**, p. 109.

90. Donnelly, Jack, **International Human Rights**, p. 35.

91. Cullen, Robert, p. 82.

92. Boven, Theo Van, p. 463.

93. **Ibid.**, p. 472.